

النظر الثالث: في الشرائط

مبحث سوم: شرايط خلع

ويعتبر في الخالع شروط أربعة: البلوغ، وكمال العقل، والاختيار، والقصد. فلا يقع مع الصغر، ولا مع الجنون، ولا مع الإكراه، ولا مع السكر، ولا مع الغضب الرافع للقصد. ولو خالع ولي الطفل بعوض لم يصح.

مرد (خلع کننده) باید دارای چهار شرط باشد: بلوغ، عقل سالم، اختیار، و قصد. پس اگر نابالغ یا دیوانه باشد و یا به اجبار و یا در حالت مستی یا غضب - که قصد را از بین می برد - خلع کند صحیح نیست؛ و اگر ولی بچه در مقابل دریافت چیزی خلع کند صحیح نیست.

ويعتبر في المختلعة أن تكون طاهراً طهراً لم يجامعها فيه إذا كانت مدخولاً بها، غير يائسة، وكان حاضراً معها. وأن تكون الكراهية من المرأة. ولو قالت: لأدخلن عليك من تكرهه لم يجب عليه خلعها، بل يستحب.

در مورد زنی که با طلاق خلع داده می شود شرط است که: پاک باشد و اگر با او نزدیکی شده باشد، یائسه نباشد، و شوهرش نزد او باشد (مسافر نباشد)، در دوره پاکی قرار داشته باشد که با او نزدیکی نشده است، و اینکه کراهت و انزجار از طرف زن باشد.

اگر زن بگوید: «قطعاً آنچه را که نمی پسندی بر سرت می آورم» واجب نیست او را خلع کند، بلکه مستحب است.

ويصح خلع الحامل مع رؤية الدم، كما يصح طلاقها. وكذا التي لم يدخل بها، ولو كانت حائضاً. وتخلع اليائسة وإن وطأها في طهر المخالعة.

خلع کردن زن حامله ای که خون می بیند صحیح است، همانطور که طلاق دادن او صحیح است. همچنین خلع کردن زنی که با او نزدیکی نشده است - حتی اگر حیض باشد - صحیح است. خلع کردن زن یائسه ای که در پاکی قرار دارد که در آن با او نزدیکی شده، صحیح است.

ويعتبر في العقد: حضور شاهدين دفعة، فلو افترقا لم يقع. وتجريده عن شرط.

در عقد خلع شرط است که: دو شاهد همزمان حضور داشته باشند؛ پس اگر جدای از هم حضور یابند، محقق نمی شود. خلع باید بی هیچ شرطی باشد.

ويصح الخلع من المحجور عليه لتبذير أو فلس.

خلع کردن از سوی کسی که به خاطر ورشکستگی یا بیهوده خرج کردن از طرف حاکم محجور شده باشد صحیح است.